

آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور



شماره ۱۹۸۵ - ۱۳۷۷/۹/۱۰۵

پرونده وحدت رویه ردیف:

۴/۷۷ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

ریاست محترم دیوان عالی کشور

با عرض سلام و تحیت:

احتراماً به استحضار عالی می‌رساند در

تاریخ ۷۶/۱۰/۱۸ معاون مجتمع و سرپرست

اجرای احکام صادقیه طی شرحی به عنوان

جناب آقای دادستان محترم کل کشور با ارسال

دو فقره پرونده‌های مورد بحث اعلام داشته

در استنباط از ماده یک و تبصره ۱ آن از قانون

تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و

کلاهبرداری از سوی شعب پنجم و هفتم

دادگاه تجدید نظر استان تهران آراء متضانت

صادر گردیده و تقاضای طرح موضوع را در

هیئت عمومی دیوان عالی کشور به منظور

ایجاد وحدت رویه نموده است اینک جریان

پرونده های مربوطه گزارش و معروض

می‌گردد.

۱- طبق محتویات پرونده کلاسه ص ۷۴/

اج ۲۴۱۰۸۶ اجرای احکام: در تاریخ

۷۲/۱۱/۱۶ آقای مسعود دواجی علیه آقای

محمود صلواتی شکایت نموده ملک پلاک

۱۲۷۴ فرعی از ۱۲۳ اصلی قبلاً متعلق به

محمود صلواتی بوده و از طریق اجرای احکام

دادگستری استان تهران در مقابل وجه چک

های بلامحل وی به او و دو نفر دیگر برابر

سند قطعی انتقال یافته و قرار بوده ملک

مذکور را تخلیه و تحویل دهد به شخص

دیگری به اجاره واگذار و مبلغی نیز بابت

ودیعه از مستاجر دریافت کرده است. شعبه

۱۹۸ دادگاه کیفری ۲ تهران به موجب دادنامه

شماره ۶۴۶-۷۳/۹/۲ به لحاظ عدم دسترسی به

متهم و باتوجه به شکایت شاکی و گزارش

مامورین و ملاحظه سند مالکیت و اظهارات

مستاجر مستنداً به مواد ۱ و ۳ از قانون

مجازات راجع به انتقال مال غیر ناظر به ماده

۲۳۸ قانون مجازات عمومی و با رعایت ماده

۲۲ قانون مجازات اسلامی متهم فوق را به

اتهام اجاره دادن ملک غیر به تحمل شش ماه

زندان و ده ضربه شلاق محکوم و رای صادره

را غیابی و قابل وخواهی اعلام کرده با

وخواهی وکیل محکوم علیه از رای صادره

دادگاه عمومی شعبه ۱۶۵ تهران به شرح

دادنامه شماره ۹۴۸-۷۵/۶/۵ باتوجه به اینکه

متهم در تاریخ اجاره دادن ملک به دیگری عالم

به عدم مالکیت خود بوده و سوءنیت وی

محرز است از حیث بزهکاری دادنامه صادره

را تاییدالنهایه عمل ارتكابی متهم را مشمول

ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین

ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری دانسته و به

استناد ماده مذکور و با رعایت ماده ۲۲ قانون

مجازات اسلامی و ملحوظ داشتن تبصره یک

آن ماده مجازات تعیین شده در رای وخواشته

را اصلاح و متهم موصوف را به تحمل یکسال حبس و پرداخت جزای نقدی به مبلغ ۷۰۰ هزار تومان معادل مالی که بابت اجاره دریافت کرده در حق دولت محکوم و رأی صادره را حضوری و قابل تجدیدنظر اعلام کرده است

تجدیدنظرخواه دادنامه بدوی را عیناً تأیید و رای صادره را قطعی اعلام کرده است.
۲- طبق محتویات پرونده کلاسه ص/ج/۲۹۴۷/۷۵ اجرای احکام: آقای سید مهدی میرلوحی به موجب دادنامه شماره



و با تجدیدنظرخواهی محکوم علیه از رای صادره و اعلام گذشت شاکی از شکایت خود شعبه پنجم دادگاه تجدید نظر استان تهران در پرونده کلاسه ۱۰۹۲/۷۵ به موجب دادنامه شماره ۳۹۳-۴/۴-۷۶ و به استدلال اینکه شاکی اعلام گذشت کرده ولی با توجه به جنبه عمومی بودن قضیه و حق الله بودن جرم انتسابی و اینکه به موجب حکم امری مذکور در تبصره یک ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری در صورت وجود جهات و کیفیات مخففه از جمله گذشت شاکی خصوصی موضوع بند ۱ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی دادگاه فقط می تواند مجازات مرتکب را تا حد اقل مقرر در ماده ۱ قانون فوق الاشعار تقلیل دهد لذا موجبی برای تخفیف مجازات به کمتر از یکسال نسنجیده ضمن رد اعتراض

۱۱۰۱-۷۴/۹/۳۰ صادره از شعبه ۱۵۹ دادگاه عمومی تهران به اتهامات خیانت در امانت نسبت به وجوه خانم فاطمه شجری مادرزنش و سرقت جهیزیه خانم نازیلا شاهجوئی همسرش با توجه به شکایت شکات و شهادت شهود و اقرار خود متهم مستنداً به مواد ۱۱۹ و ۱۰۸ قانون تعزیرات و ماده ۹ قانون مجازات اسلامی و ماده ۴۷ همان قانون و با رعایت ماده ۲۲ قانون مذکور به پرداخت یکصد و پنجاه هزارریال جزای نقدی بدل از شلاق از جهت خیانت در امانت و استرداد مبلغ ۳۵۰ هزار تومان به خانم فاطمه شجری و نیز پرداخت یکصد هزار ریال جزای نقدی از جهت سرقت اموال همسرش و استرداد اموال به وی محکوم و در مورد اتهامات دیگرش مبنی بر جعل عنوان و فریب در ازدواج تبرئه گردیده است و در خصوص شکایت دیگر بانو

فریش به راه افتاد و دستور داد جسدش را به کسبه آورند. مردم سبب کشتن را پسر سیدند. گفت: یوسفیان و پسرش او را به کشتن من تطمیع کردند؛ او هم در راه من کمین کرد و بر من پدید میامد. سرش را از من جدا کردم و شمشیرش را گرفتم. چون آن لبرنگشان نقش برآب شد، این لبرنگ نلره را اندیشیدند.

«در محضر قاضی:

شکایت شکایت خود را به خلیفه مقتدر وقت، عمر بن الخطاب، تسلیم کرد. طرفین دعوا باید حاضر شوند و دعوا طرح شود. کسی که از او شکایت شده بود، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود. عمر هر دو طرف را خواست و خودش درمسند قضائیتست. طبق دستور اسلامی، دو طرف دعوا باید پہلوی یکدیگر بنشینند و اصل تساوی در مقابل دادگاه محفوظ بماند. خلیفه مدعی را بنام خواند، و امر کرد در نقطه معینی روبروی قاضی بنشیند. بعد رو کرد به علی علیه السلام و گفت: «یا ابوالحسن پہلوی مدعی خودت قرار بگیر.» به نشیندن این جمله پیره علی درهم و آنگار ناراحتی در قیافه اش پیدا شد. خلیفه گفت: «یا علی، سبیل بخاری پہلوی طرف متخاصمه خوبتر بنشین علیه السلام؛ ناراحتی من از این نبود که باید پہلوی طرف دعوی خود بنشینم، برعکس ناراحتی من از این بود که تو کاملاً عدالت را مراعات نکردی، زیرا منرا با احترام نام بردی و به کلمه خطاب کردی و گفتی «یا ابوالحسن» اما طرف مزایه همان نام عادی خواندی. علت تأخر و ناراحتی من این بود.»

«عقیل مهمان علی:

عسقل، در زمان خلافت برادرش امیرالمؤمنین علی علیه السلام به عنوان مهمان به خانه آن حضرت، در کوفه وارد شد. علی علیه السلام به فرزند

نازیلا شاهجونی از وی مبنی بر کلاهبرداری (به این شرح که همسرش را اغوا کرده که در صورت فروش آپارتمانش در نقاط شمالی شهر آپارتمانی بهتر و بزرگتر برای او خواهد خرید و در این رابطه به چندین بنگاه معاملات ملکی مراجعه و تعدادی آپارتمان در شمال شهر به همسرش نشان می‌دهد در حالی که ابتدا چنین نیتی نداشته و قصدش صرفاً بدست آوردن پول حاصل از فروش آپارتمان همسرش بوده و سرانجام پس از فروش رفتن آپارتمان پول آن را از همسرش گرفته و بعد هم مدعی شده که این پول متعلق به خودش بوده و همسرش حقی به این پول ندارد که موضوع منجر به شکایت همسرش می‌شود) دادگاه به استدلال اینکه چون شاکیه شخصاً در فروش آپارتمان دخالت و حضور داشته و اسناد مربوطه را با رضا و رغبت امضاء کرده و نیز در شکایت دیگر همسرش از وی مبنی بر گرفتن چکهای سفید امضاء و عدم استرداد آنها به لحاظ عدم احراز وقوع بزه رای بر برائت متهم صادر و اعلام کرده است با تجدیدنظرخواهی طرفین از رای صادره شعبه هفتم دادگاه تجدیدنظر استان تهران در پرونده کلاسه ۱۲۵۳/۷۴ به شرح دادنامه شماره ۷۵/۳/۶-۳۳۹-اولا محکومیت آقای میرلوحی را از جهت سرقت جهیزیه همسرش و نیز خیانت در امانت و جوه خانم فاطمه شجری با اصلاح رقم سیصد و پنجاه هزار ریال به ششصد و پنجاه هزار ریال صحیح دانسته و دادنامه تجدیدنظر خواسته را در این موارد نیز در زمینه حکم برائت آقای مهدی میرلوحی از اتهام جعل عنوان و فریب در ازدواج تایید و استوار کرده است و ثانیاً

در مورد برائت آقای مهدی میرلوحی از اتهام کلاهبرداری مبنی بر اغواکردن همسرش به فروش آپارتمان و گرفتن وجه حاصل از فروش آپارتمان و نیز گرفتن چکهای سفید امضاء از همسرش تجدیدنظر خواهی شاکیه را در این قسمت وارد تشخیص و باتوجه به اینکه زوج نه تنها آپارتمانی برای همسرش خریداری نکرده بلکه پول حاصل از فروش آن را نیز کماکان نزد خود نگهداشته و مدعی شده با این پول داد و ستد و تجارت می‌کند و در خصوص چکهای سفید امضاء نیز معترف است که چکهای همسرش نزد وی بوده و با درج مبلغ آنها را به اشخاص طرف معامله واگذار می‌کرده لذا ضمن نقض دادنامه تجدیدنظر خواسته در این قسمت آقای مهدی میرلوحی را از بابت کلاهبرداری مستنداً به ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری با رعایت ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به تحمل سه ماه حبس و استرداد مبلغ ۸۷۰۰۰۰۰ تومان وجه حاصل از فروش آپارتمان و نیز استرداد تعداد ۴۸ فقره چکهای سفید امضاء مورد بحث که شماره آنها را ذکر کرده در حق خانم نازیلا شاهجونی محکوم و رای صادره را قطعی و لازم الاجراء اعلام کرده است.

بنابه مراتب به شرح ذیل نظریه اعلام می‌گردد:

نظریه: همانطور که ملاحظه می‌فرمایید بین آراء شعب پنجم و هفتم دادگاه تجدیدنظر استان تهران در استنباط از تبصره ۱ ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام تفاوت وجود

دارد بدین توضیح که شعبه پنجم به موجب دادنامه شماره ۳۹۳-۷۵/۲۷۶ با وجود جهات و کیفیات مخففه تخفیف مجازات را به کمتر از حداقل مندرج در ماده مذکور صحیح ندانسته و متهم مورد بحث را با اعمال ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به تحمل یک سال حبس محکوم کرده ولی شعبه هفتم برعکس به موجب دادنامه شماره ۳۳۹-۷۵/۳/۶ تقلیل مجازات را به کمتر از یک سال در این مورد جایز دانسته و متهم را به سه ماه حبس محکوم نموده است علی‌هذا نظر به مراتب مستنداً به ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ تقاضای طرح موضوع را در هیئت عمومی محترم دیوان عالی کشور به منظور ایجاد رویه واحد دارد.

معاون اول دادستان کل کشور - حسن فاخری

به تاریخ روز سه شنبه ۱۳۷۷/۶/۳۱ جلسه وحدت رویه قضایی هیئت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت‌الله محمد محمدی گیلانی رئیس دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان، رؤسا و مستشاران شعب حقوقی و کیفری دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور مبنی بر باتوجه به اینکه تبصره ۱ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری صراحت دارد که دادگاه می‌تواند میزان

مجازات مرتکب کلاهبرداری را در صورت وجود جهات و کیفیات مخففه فقط تا حداقل مجازات (یک سال حبس) تقلیل دهد و با ملاحظه اینکه قانون مذکور قانون خاصی است و در موارد مقید در این قانون قابل اعمال خواهد بود. بنابراین ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی که قانون عام می باشد نمی تواند قانون خاص را نسخ نماید باتوجه به این مراتب رای شعبه پنجم دادگاه تجدید نظر استان تهران موجه بوده، معتقد به تایید آن می باشم. مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رای داده اند:

رای شماره ۶۲۸-۳۱/۶/۱۳۷۷

رای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به این که کیفر حبس مقرر در ماده یک قانون تشدید مجازات ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی حداقل یک سال و حداکثر ۷ سال تعیین شده و به موجب تبصره یک ماده مرقوم، در صورت وجود علل و کیفیات مخففه دادگاهها مجازند میزان حبس را تا حداقل مدت مقرر تخفیف دهند، تمسک به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی و تعیین حبس کمتر از حد مقرر در مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی مغایر با موازین قانونی است، علی هذا رای شعبه پنجم دادگاه تجدید نظر مرکز استان تهران که مطابق با این نظر می باشد، به نظر اکثریت اعضاء هیئت عمومی دیوان عالی کشور صحیح و موجه تشخیص و تایید می شود. این رای به استناد ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری

مصوب تیرماه ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

شماره ۱۹۹۶-۵ ۱۳۷۷/۱۱/۳

پرونده وحدت رویه ردیف: ۳۲/۷۶ هیات عمومی

ریاست محترم هیئت عمومی دیوان عالی کشور

احتراماً، باستحضار می رساند جناب آقای وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی طی مشروح شماره ۶۹۵۸ مورخ ۷۶/۷/۶ به عنوان جناب آقای دادستان محترم کل کشور اعلام نموده است در مورد اجرای بند و تبصره ۱۷ قانون بودجه سال ۱۳۷۴ کل کشور که در سنوات اخیر نیز به همین نحو در قوانین بودجه پیش بینی و تصویب گردیده و براساس آن وزارتسین فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اجازه دارند معادل مابه التفاوت ریالی نرخ ارز و نرخ پرداخت شده قبلی از دانشجویان بورسیه یا اعزامی که از ایفای تعهدات خودداری کرده اند دریافت و نسبت به آزاد نمودن مدارک و وثایق آنان اقدام نمایند از محاکم تجدید نظر استان تهران و استان کرمانشاه آراء متهافت و مغایری صادر گردیده و با ارسال تصویر آراء مذکور تقاضای طرح موضوع در هیئت عمومی دیوان عالی کشور به منظور اتخاذ رویه واحد نموده است جریان پرونده های مربوطه و آراء صادره به این شرح است:

۱- به حکایت پرونده تجدید نظر کلاسه ۳۶۲/۷۶ شعبه دوم دادگاه تجدید نظر استان تهران بدو^۱ در تاریخ ۷۵/۱۱/۱۵ آقای کریم فتح اردوبادی دادخواستی بطرفیت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به خواسته

سپهرخویشان، حسن بن علی، افساره کرد که جامه ای به عمویت هدیه کن. امام حسن علیه السلام یک پیراهن و یک ردا از مال شخصی خود به عموی خویش عقیل تعارف و اهداء کرد. شب فرازسید و هواگرم بود. علی علیه السلام و عقیل روی بام دارالاماره نشستند مشغول گفتگو بودند. موقع صرف شام رسید. عقیل که خود را مهمان دربار خلافت می دید، طبعاً انتظار سفره رنگینی داشت، ولی برخلاف انتظار وی سفره بسیار ساده و فقیرانه ای آورده شد. باکمال تعجب پرسید: «غذا هرچه هست همین است؟»

علی علیه السلام : «مگر این نعمت خدا نیست؟ من که خدا را براین نعمتها بسیار شکر می کنم و سپاس می گویم.»

عقیل: «پس باید حاجت خویش را زودتر بگویم و مشخص شوم، من مقروضم و زیر بار قرض مانده ام، دستور فرما هرچه زودتر قرض مرا ادا کنند و هر مقدار می خواهی به برادرت کمک کنی بکن، قارحمت را کم کرده به خانه خویش برگردم.»

«چقدر مقروضی؟»

«صد هزار درهم.»

«اوه، صد هزار درهم! چقدر زیاد! مناسقم برادرچنان که این قدر ندارم که قرضهای تو را بدهم ولی صبرکن موقع پرداخت حقوق بپرداز. از سهم شخصی خودم برمی دارم و به تو میدهم و شرط مواسات و برادری را به جا خواهم آورد، اگر نه این بود که عائله خودم خرج دارند تمام سهم خودم را به تو می دادم و چیزی برای خود نمی گذاشتم.»

«چی؟ صبرکنم تاوقت پرداخت حقوق بپردازم؟ بیت المال و خزانه کشور در دست تو است، و به من می گویی صبرکن تا موقع پرداخت سهمیه ها برسد. و از سهم خودم بگو

صدور حکم بر محکومیت خواننده به فک وثیقه موضوع سند شماره ۴۶۳۴۴ مورخ ۶۴/۷/۲۱ تنظیمی دفتر اسناد رسمی شماره ۱۴۹ تهران که به منظور تحصیل آقای فرزین فتح اردوبادی در رشته پزشکی در خارج از کشور در قبال ده میلیون ریال منعقد گردیده به دادگاههای عمومی تهران تقدیم نموده که رسیدگی آن به شعبه ۲۳ دادگاه عمومی تهران ارجاع و به موجب دادنامه شماره ۷۶/۱/۲۳-۴۶ حکم به فک رهن از پلاک ثبتی ۶۷۱۳/۵۴ بخش ۲ تهران در قبال ابداع مبلغ ده میلیون ریال صادر و اعلام داشته است وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از این رای تجدید نظر خواهی نموده شعبه دوم دادگاه تجدید نظر استان تهران به موجب دادنامه شماره ۵۷۲/۷۶ مورخ ۷۶/۵/۱۲ چنین رای داده است:

نظر به اینکه به موجب بند و تبصره ۱۷ قانون بودجه سال ۷۴ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی صرفاً مجاز به دریافت مابه‌التفاوت ریالی نرخ روز ارز و نرخ پرداخت شده قبلی از مشخص دانشجویانی است که از ایفای تعهدات خودداری کرده‌اند و قانون مزبور تعهدی اضافه بر آنچه که در قرارداد فیما بین قید گردیده بر تعهدات وثیقه گذاران نیفزوده است و وثیقه گذاران در حدود قرارداد منعقد منسول جبران خسارت وارده ناشی از تخلف دانشجویان می‌باشند... و درمانجن فیه با عنایت به اینکه حداکثر وجه التزام مقرر در قرارداد فیما بین ضامن و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ده میلیون ریال بوده است و تجدیدنظر خواننده آمادگی خود را

برای پرداخت نقدی مبلغ مزبور اعلام نموده اعتراض تجدیدنظر خواه غیر وارد است و نتیجتاً دادنامه تجدید نظر خواسته را تائید واستوار می‌نماید.

۲- به حکایت پرونده کلاسه ۷۱۳/۷۵ شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه در تاریخ ۷۴/۱۲/۵ آقای رضا قلی نوروزی صحنه دادخواستی به طرفیت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به قائم مقامی وزارت فرهنگ و آموزش عالی به خواسته الزام خواننده به فک رهن خانه پلاک ثبتی ۲۳۱۶ فرعی ۱۸۳ فرعی از ۴۵ فرعی از ۹۳ اصلی حومه بخش یک کرمانشاه موضوع سند رسمی شماره ۶۲/۹/۲۲-۴۱۹۰۳ دفتر اسناد رسمی شماره ۱۴۹ تهران به مبلغ پنج میلیون ریال به دادگاههای عمومی کرمانشاه تقدیم نموده که رسیدگی به آن به شعبه نهم دادگاه عمومی کرمانشاه ارجاع و به موجب دادنامه ۷۵/۴/۱۶-۳۲۶ حکم به فک رهن خانه موضوع خواسته به شرط پرداخت مبلغ پنج میلیون ریال به خواننده صادر و اعلام گردیده که مورد تجدید نظر خواهی محکوم علیه واقع شده و شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه برابر دادنامه شماره ۷۵/۱۲/۲۸-۷۷۲ خلاصتاً به این شرح رای صادر کرده است: همان طور که وکیل تجدید نظر خواه در هر دو مرحله دادرسی متذکر شده به موجب بند و تبصره ۱۷ قانون بودجه سال ۱۳۷۵ به وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اجازه داده شده که برای خرید تعهد و آزاد نمودن مدارک و وثایق دانشجویان بورسیه یا اعزامی که از ایفای تعهدات خودداری

می‌نمایند علاوه بر جبران تعهدات مربوط معادل مابه‌التفاوت ریالی نرخ روز ارز و نرخ پرداخت شده قبلی را از آنان دریافت و به حساب درآمد عمومی کشور واریز نمایند بنا به مراتب دادگاه نمی‌تواند صرف پرداخت وجه‌الضمان از ناحیه تجدید نظر خواه و بدون در نظر داشتن مقررات قانون بودجه سال ۱۳۷۵ خواسته مطروحه را اجابت نماید لذا دادگاه دعوی تجدید نظر خواه را وارد تشخیص و با اعلام نقض دادنامه شماره ۳۳۶-۷۵/۴/۱۶ شعبه ۹ دادگاه عمومی کرمانشاه حکم بر رد دعوی خواهان بدوی صادر و اعلام می‌دارد.

نظریه:

همانطور که ملاحظه می‌فرمایند شعبه ۵ دادگاه تجدید نظر استان کرمانشاه فک رهن و وثیقه املاکی که در قبال دریافت سهمیه ارز دانشجویی به وثیقه وزارت فرهنگ و آموزش عالی درآمده موکول به رعایت و اعمال بند و تبصره ۱۷ قانون بودجه سال ۱۳۷۴ کل کشور که در سنوات اخیر نیز به همین نحو و عبارت در قوانین بودجه پیش‌بینی گردیده دانسته و برعکس شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان تهران فک رهن و وثیقه را مشروط به پرداخت مبلغ وجه التزام مقرر در قرارداد منعقد و فیما بین ضامن و وزارت فرهنگ و آموزش عالی از ناحیه وثیقه گذار مسی دانسد، بنا به مراتب مذکور چون محاکم تجدید نظر استان راجع به استنباط از قانون در موارد مشابه اختلاف نظر داشته‌اند به استناد ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ تقاضای طرح موضوع در هیئت عمومی دیوان عالی

کشور به منظور ایجاد وحدت رویه قضایی دارد.

معاون اول دادستان کل کشور -
حسن فاخری

به تاریخ روز سه شنبه ۱۳۷۷/۶/۳۱ جلسه وحدت رویه قضایی هیئت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت الله محمد محمدی گیلانی، رئیس دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان، روسا و مستشاران شعب حقوقی و کیفری دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور مبنی بر: «باتوجه به اینکه در بند تبصره ۱۷ قانون بودجه سال ۱۳۷۴ پیش بینی شده که وزارتین بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و فرهنگ و آموزش عالی مجاز به دریافت مابه التفاوت ریالی نرخ روزه و نرخ پرداخت شده قبلی ارز، از دانشجویان بورسیه یا اعزام به خارج از کشور که از انجام تعهدات خودداری کرده اند می باشند بنابراین صرف پرداخت وجه الضمان مقرر در قرارداد بین طرفین برای جبران تعهدات و آزاد نمودن مدارک و وثایق دانشجویان کافی نمی باشد بلکه رعایت مقررات قانون فوق الذکر نیز ضروری خواهد بود. علی هذا رای شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه که براین اساس صادر شده موجه بوده، معتقد به تایید آن می باشم.» مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رای داده اند:

رای شماره: ۱۳۷۷/۶/۳۱-۶۲۷

رای وحدت رویه هیئت عمومی
دیوان عالی کشور

نظر به اینکه مقررات بند تبصره ۱۷ قانون بودجه سال ۷۴ کل کشور عیناً در بند «و» تبصره ۱۷ قانون بودجه سالهای ۷۵ و ۷۶ کل کشور تکرار شده و شورای محترم نگهبان در مقام اظهار نظر، نسبت به لایحه بودجه سال ۷۶ کل کشور طی شماره ۱۳۸۸/۲۱/۷۵-۱۱/۱۱-۷۵ تصریحاً اعلام داشته «بند «و» تبصره ۱۷ اگر جزء خسارات مورد قرارداد است اشکالی ندارد و اگر علاوه بر آن خسارات است، خلاف موازین شرعی است» و باتوجه به این که در متن اسناد رسمی مستند دعاوی مطروح خسارت قراردادی منظور نشده است بنا به مراتب و با عنایت به اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دادنامه شماره ۷۶/۵/۱۲-۵۷۲/۷۶ شعبه دوم دادگاه تجدید نظر استان تهران در حدی که متضمن لزوم فک وثیقه با ایفاء تعهد مصرح در سند رسمی وثیقه می باشد، نتیجتاً و قطع نظر از کیفیت استدلال، صحیح و منطبق با موازین تشخیص می شود. این رای بر طبق ماده سوم از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.



بدهم تو هر اندازه بخوای من توانی از خزانه بیت المال برداری، چرا مرابه رسیدن موقع پرداخت حقوق خواجه من کنی، به علاوه مگر تمام حقوق تو از بیت المال چه در راست؟ فرغاً تمام حقوق خودت را به من بدهی، چه قدری از من دوا می کند؟

«من از پیش نهاد تو تعجب می کنم، خزانه دولت پول دارد بنابراین چه ربطی به من و تو دارد؟ من و تو هر کدام قدری هستیم مثل سایر افراد مسلمین. درست است که تو برادر منی و من باید تا حدود امکان از مال خودم به تو کمک و مساعدت کنم، اما از مال خودم نه از بیت المال مسلمین.»

مباحثه ادامه داشت و صفیل با زبانهای مختلف اصرار و سماجت می کرد که «اجازه بده از بیت المال پول کافی به من بدهند تا من دنبال کار خود بروم.»

آنجا که نشست بودند به بازار کوفه مشرف بود. صندوقهای پول تجار و بازارها از آن جا دیده می شد. در این بین که علیل اصرار و سماجت می کرد، علی خطبه به علیل فرمود: «اگر بالغم اصرار داری و سخن مرا نمی پذیری پیش نهادی به تو می کنم، اگر عمل کنی من توانی تمام دین خویش را بپردازم و پیش از آن هم داشته باشی.»

«چه کار کنم؟»

«در این پایین صندوقهایی است همین که خلوت شد و کسی در بازار نماند، از اینجا برو پایین و این صندوقها را بشکن، هر چه دلت می خواهد بردار.»

«صندوقها مال کیست؟»

«مال این مردم کسبه است، اموال

نقدینه خود را در آن جا می ریزند.»

«عجب! به من پیش نهاد می کنی که

صندوق مردم را بشکنم و مال مردم بچارهای